

# ایسکرا

# ۹۷۰

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان  
Tel: 004915778789846  
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدل گلپریان

۱۹ دی ۱۳۹۷، ۹ ژانویه ۲۰۱۹ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

## اعتراضات کارگران شهرداری ها در کردستان و نقش فعالین اجتماعی

نسان نودینیان

اعتراضات شما علیه پرداخت نکردن دستمزدها، علیه فساد و دزدیدن حقوق هایتان توسط پیمانکاران و نهادهای فرمانداری و شهرداریها در چند سال گذشته با پیگیری شما ادامه داشته است.

در ۵ دی ماه ۹۷ کارگران شهرداری مهلباد در مقابل شهرداری این شهر در اعتراض به عدم چندین ماه حقوق هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شهرداری مریوان در ۱۱ دی ماه ۹۷ اعلام کرده اند از ابتدای سال فقط ۴ میلیون تومان به هر کارگر داده اند. کارگران شهرداری مریوان می گویند: "زمانی که در تیرماه سال گذشته، شهردار جدید آمد، قرار شد که دستمزدهای کارگران به موقع پرداخت شود اما نه تنها پرداخت دستمزدها مرتب نشد بلکه معوقات سالهای گذشته را نیز با ما تسویه حساب نکردند. به کارگران شهرداری مریوان هنوز عیدی ۹۶ پرداخت نشده".

کارگران شهرداری مریوان در ادامه اعتراضاتشان سئوالهای واقعی را مقابل نهادهای دولتی و شهرداری ها گذاشته اند. کارگران میگویند: "از ابتدای سال جاری فقط ۴ میلیون تومان به حساب کارگران ریختهاند؛ (دوازدهم دی ماه) نیز ۳۰۰ هزار تومان به حساب هر کارگر واریز کرده اند؛ آیا فکر می کنند با این مبلغ ناچیز مشکلات ما کارگران حل می شود؟! آیا نمی دانند که کرایه یک خانه متوسط در همین مریوان حداقل ماهانه ۵۰۰ هزار تومان است؟! ما کارگران چگونه باید امورات زندگی مان را بچرخانیم؟! آیا پرداخت ۳۰۰ هزار تومان، بازی دادن کارگر نیست؟"

صفحه ۲

## یادداشت های هفته: عبدل گلپریان

\*نامه ای که لب های زیادی به سخن گفتن از شکنجه را گشود

\*در مورد طرح ترور سه تن از رهبران حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

\*اطلاق "خانواده بزرگ" به حزب کمونیست تناقضی با یک واقعیت تاریخی

\*متهم در مقام شاکی! صفحه ۳

## سازمان زحمتکشان یک سازمان تبهکار و مافیایی است

صفحه ۲

محمد آسنگران

## توطئه ترور سازمان زحمتکشان مهدی علیه مخالفین سیاسی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست، مبارزان کمونیست، کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

## نگاه هفته:

## مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه نطف الهی

## بیانیه حزب کمونیست کارگری

در دفاع از اسماعیل بخشی و

برای سرنگونی حکومت زندان و شکنجه

صفحه ۶

دعوت اسماعیل بخشی از علوی وزیر اطلاعات به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی

متن نامه اسماعیل بخشی

صفحه ۶

کیفرخواست اسماعیل بخشی و قد بر افراشتن جنبش دادخواهی

صفحه ۸

شهلا دانشفر

یک نامه سرگشاده یک حکومت را آچمز کرد!

صفحه ۹

محسن ابراهیمی

اطلاعیه درباره ادعای وابستگی

اسماعیل بخشی به حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۰

## اطلاعیه های حزب

\*میثم علی فتواتی یکی دیگر از کارگران بازداشتی فولاد اهواز آزاد شد

\*تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه و دو خبر دیگر

\*اعتراضات کارگران واحد تولید مخازن تحت فشار کاوش در قزوین

صفحه ۱۰

\*تجمع دو هزار نفر از کشاورزان در اصفهان

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اعتراضات کارگران ...

## سازمان زحمتکشان یک سازمان تبهکار و مافیایی است



محمد آسنگران

از روی دست جریانات تروریست و آدمکش نوشته و قصد پراتیک آنرا داشته است.

علیرغم اینکه همان دوره کسانی از درون سازمان زحمتکشان مخالف این سیاست بوده اند دست به جمع آوری امضا و طومار نویسی زده اند که همه افراد تشکیلاتشان را برای اجرای این طرح جنایتکارانه علیه کومه آماده کنند و صدای مخالفین را خفه نمایند.

همزمان با این سیاست طرح ترور کادرهای کمونیسم کارگری در کردستان عراق را داشته اند. اما مواردی با مخالفت افراد خودشان مواجه شده و مواردی هم طرحشان لورفته است. این باند مافیایی تا جایی پیش رفته اند که با تطمیع، یکی از اعضای خودشان او را ناچار کرده اند که به عنوان جاسوس و خبر چین در سلیمانیه به کادرهای کمونیسم کارگری نزدیک شود و راه اجرای ترور آنها را مهیا کند.

همه این موارد بعلاوه طرح ترور افرادی از خود این سازمان که خواسته اند از آنها جدا بشوند اکنون در میدیای اجتماعی علنی شده است. کادرهای قبلی این سازمان اخیرا با اسامی و تصویر حقیقی و حقوقی خود بر وجود چنین طرح هایی شهادت داده و آنرا افشا کرده اند.

با افشای این طرحها همه سازمانهای چپ و کمونیست جدی ایران سیاستهای جنایتکارانه و مافیایی این باند تبهکار را محکوم کرده و به جامعه هشدار داده اند. عکس العمل تا کنونی این باند تبهکار به رهبری عبدالله مهتدی در مقابل افشای سیاستهای آدم کشی اش این بوده است که از بنیاد وجود چنین سیاستی را منکر بشود. اما یکی از افراد رهبری شاخه جدا شده سازمان زحمتکشان به اسم رضا کعبی که اکنون با عبدالله مهتدی در رقابت هستند در پاسخ به افشاگرهای اخیر تلاش کرده است بگوید او چنین سیاستی

در مورد ماهیت و عملکرد سازمان زحمتکشان در کردستان تا کنون مطالب زیادی نوشته و منتشر شده است. از روز اول درست شدن این سازمان ما ماهیت آنرا آنطور که واقعا بود به جامعه معرفی کردیم. اکنون با گزارشات اخیر که از زبان کادرهای جدا شده از این سازمان منتشر شده است صحت ارزیابی ما بیش از پیش عیان شده است. در همان روزها و ماههای اول جدا شدن سازمان زحمتکشان از کومه با انتشار سیاست ما در مورد ماهیت فالتویسم و قوم پرستی این جریان کم نبودند کسانی که فکر میکردند اختلاف ما با آنها رقابت حزبی و یا اغراق آمیز است.

اکنون که کادرهای جدا شده از آنها یکی بعد از دیگری اخبار و گزارشات درونی این سازمان را علنی میکنند همگان متوجه شدند که سازمان زحمتکشان به رهبری مهتدی دهها طرح و برنامه برای ترور و کشتن مخالفین سیاسیانشان در دست اجرا داشته و مواردی هم آنرا اجرا کرده اند.

از زبان یکی از کادرهای رهبریشان به اسم جوامیر مارابی که چند سالی است از آنها جدا شده است میشنویم که سازمان زحمتکشان در پلنوم رسمی خود طرح حمله به اردوگاه کومه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را داشته که میخواستند آنها را قتل عام کنند. دلایلشان هم این بوده است "از بین بردن آنها امروز با تلفات کمتری ممکن است و بهتر از این خواهد بود که بعدا دو کومه وجود داشته باشد و در داخل شهرها با هم درگیر بشویم." قصدشان این بوده است که یک کومه را نابود کنند تا فقط یک "کومه" آن هم سازمان زحمتکشان وجود داشته باشد. سازمان زحمتکشان ظاهرا مشق هایش را

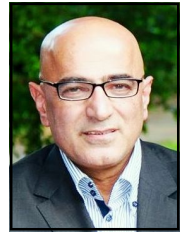
عملی و کارساز را با ارتباطات وسیع و جلسات جمعی در پیش گرفتند. فعالین اجتماعی سندج در جلسات دستفروشان شرکت کرده و تاثیرات معینی را برای تصمیمگیری های جمعی و کارساز، داشتند.

## فعالین اجتماعی در شهرهای کردستان!

شما میتوانید نقش و تاثیرات تعیین کننده ای برای سازماندهی کارگران شهرداری داشته باشید. حضور شما مهم است. شما میتوانید در جلب حمایت مردم شهر از کارگران شهرداری موثر باشید، همچنانکه حضور فعالین اجتماعی در مبارزات دستفروشان در سندج موثر واقع شد.

دوستان عزیز کارگران شهرداری! اعتراضات وسیع و گسترده ای در سطح سراسری در جریان است. اعتصابات کوبنده کارگران فولاد اهواز، حمایت های توده ای مردم از اعتراضات کارگران، اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و به نمایش گذاشتن اعتراضات کوبنده و راه حل های شورایی اداره جامعه، اعتصابات چند ماه گذشته در کردستان، مارشهای خیابانی کارگران بیکار علیه بیکاری نمونه هایی برجسته ای از قدرت اعتراضی مردم در سطح سراسری و کردستان است.

در دی ماه سال (۹۶) در بیش از ۹۰ شهر مردم با خواستههای طبقاتی - مبارزاتی علیه گرانی، بیکاری و فقر و علیه فساد حاکمان حکومت جنایتکار اسلامی دست به اعتراضات وسیع و میلیونی زده اند. خواستههای مردم ناراضی از وضع موجود، برای زندگی بهتر، برای تامین معیشت شروع شده. مردم در بیش از ۹۰ شهر اعلام کردند فقر زندگی آنها را در تنگنا گذاشته، اعلام کردند بیکاری زندگی چند میلیون کارگر اخراج شده و تحصیلکردگان فاقد موقعیت شغلی را به تباهی کشانده. مردم علیه فقر بیخابان آمده اند. خواست افزایش دستمزد مبارزه ای توده ای علیه فقر است.\*



سوالهای کارگران شهرداری سئوالهایی واقعی هستند. کارگران شهرداری ها در ارتباط با معیشت و دستمزدهایشان و سفره های خالی و ناامنی شغلی و توطئه های شهرداری ها و پیمانکاران، سئوالهای واقعی را طرح کرده اند. کارگران بدرست کیفرخواست طبقاتی خودشان را جلو جامعه قرار داده اند. کیفرخواستی پر از درد و رنج!

کارگران عزیز شهرداری ها! کیفرخواست و اعتراضات شما بجاست، کارگران شهرداری مهاباد و مریوان در دی ماه امسال ۹۷ بارها دست به تجمع اعتراضی زده اند، و در مقابل شهرداری ها دست به تظاهرات زده اند و متاسفانه هر بار با وعده های پوچ و دروغ و توطئه به عملی کردن خواستههایتان گردن نگذاشته اند. چاره دستیابی به خواستههایتان، گرفتن بموقع حقوق ها و تامین معیشت و شغل، سازماندهی تشکل و شورای اعتراضات کارگران شهرداری ها است.

## برای تشکیلابی و تحقق خواستهها دست بکار شوید! کارگران شهرداری پیشینه مبارزاتی قابل اتکایی دارند!

تجربه دستفروشان سندج و اقدام دسته جمعی آنها و تشکیل جلسات عمومی با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر برای خنثی کردن سیاست فشار و تغییر محل کسب و کار دستفروشان، را بکار گیریم. آنها در تجمع گسترده شان تصمیم جمعی میگیرند که تن به تغییر و محل کسب و کارشان، ندهند. و عملا فشارهای شهرداری را با تصمیم جمعی عقب رانند، و راه و چاره

نداشته است. اما در مورد کلیت این سیاست و طرحهای مافیایی و سیاستهای تروریستی سازمان مربوطه که او هم یکی از رهبران وقت این سازمان بوده است سکوت کرده است.

مسئله این است اکنون که این سیاستهای جنایتکارانه و تروریستی علیه مخالفین سیاسی این سازمان تبهکار و قومپرست افشا شده است و به اطلاع عموم رسیده است چه باید کرد؟

اولا همه سازمانهای اپوزیسیون راست و چپ ایران و همه احزاب کردستان عراق و ترکیه و سوریه اگر یک ذره به فضای سیاسی سالم و آزادی احزاب پایبند هستند باید این سیاست و روش حذف مخالفین سیاسی از راه دست بردن به اسلحه و اقدام به ترور را محکوم کنند. هر جریانی که نخواهد علیه سیاست تروریستی این سازمان موضع روشنی اتخاذ کند باید به عنوان جریانی غیر مسئول افشا بشود.

دوم اینکه هیچکس نباید و محق نیست این جریان تروریستی را به عنوان سازمان سیاسی برسمیت بشناسد. چنین جریانی جایی در میان احزاب سیاسی نباید داشته باشد.

باید فضای سیاسی کردستان آنچنان متمدنانه و آزاد منشانه باشد که هیچ جریان غیر مسئولی نتواند در مقابل مخالفین سیاسی دست به اسلحه برد و ترور و حذف مخالفین سیاسی باید خط قرمز همه جریانات باشد. در پایان باید مردم کردستان چنین جریاناتی را بشناسند و به دلیل سیاستهای ضد انسانی و تروریستی آنها افشا و ترد شوند.

۸ ژانویه ۲۰۱۹

همه سازمانهای اپوزیسیون راست و چپ ایران و همه احزاب کردستان عراق و ترکیه و سوریه اگر یک ذره به فضای سیاسی سالم و آزادی احزاب پایبند هستند باید این سیاست و روش حذف مخالفین سیاسی از راه دست بردن به اسلحه و اقدام به ترور را محکوم کنند.



## توطئه ترور سازمان زحمتکشان مهدی علیه مخالفین سیاسی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست، مبارزان کمونیست، کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

شخص عبدالله مهدی است . افرادی که در آن زمان از سر ناآگاهی و یا تسلیم جو شدند و در نقش طراحان و مجریان این جریان برآمدند ، بهتر است بجای مقاومت بیهوده و اطلاعیه دادنهای بی خاصیت و پر تناقض ، اگر هنوز ذره ای شرافت وجدانشان را آزار می دهد ، زبان به گفتن حقیقت بگشایند . این امر نفع خود آنها و جامعه کردستان است .

ما از همه احزاب و جریانات و شخصیت های سیاسی در ایران و کردستان انتظار داریم ضمن محکوم کردن سازمان زحمتکشان و توطئه های کثیف آن در حفظ سلامت و فضای آزادی فعالیت سیاسی تلاش کنند . همین تجربه و سابقه دست درازی حزب دمکرات به کمونیستها در کردستان به ما می گوید که صف آزادیخواهی و کمونیسم در کردستان باید قوی ، متحد و استوار باشد .

۶ ژانویه ۲۰۱۹

هیاهوی جهانی علیه کمونیسم و پایان تاریخ ، عبدالله مهدی را برای برپا کردن اقلیم دیگری در کردستان ایران وسوسه کرد .

از آن زمان تا به امروز کار عبدالله مهدی دیروزگی سیاسی در بارگاه تمامی جریانات و قدرتهای مرتجع و سرکوبگر منطقه بوده است . از خوش ویش کردن با جریان اصلاح طلب درون حکومت و مذاکره با جمهوری اسلامی تاشاگردی جریانات ضد انقلابی پرو غرب و سلطنت طلب و وزارت خارجه آمریکا ، جولانگاه عبدالله مهدی برای آویزان شدن به قدرتهای جهانی و منطقه ای بوده است . تاریخ و پرونده این جریان بد نام باید نزد توده مردم کردستان بیش از پیش افشا گردد و کسانی که هنوز ماهیت آنها را نمی شناسند از پیوستن به آن برحذر داشته شوند .

مسئول مستقیم طراحی این ترورها رهبری جریان زحمتکشان و

نمایند . قدرت متشکل مردم انقلابی در شوراهایشان و سپردن جامعه بدست صاحبان واقعی آن مهم ترین تضمین برای جلوگیری ازیکه تازی و آلوده کردن جامعه باشرارت و تروریسم باند های اینچینی است . قدرت متشکل و مسلح کارگران و مردم زحمتکش جواب کمونیستها به دست درازی انواع جریانات باند سیاهی است که در آینده و تحولات پیش رو بخواهند امنیت و مدنیت جامعه را تهدید کنند .

جریان زحمتکشان در یک گردنه بگیری آشکار با پشتیبانی و حمایت اتحادیه میهنی کردستان عراق و ربودن نام کومه له سر هم بندی شد . آن زمان ناسیو نالیسم کرد در عراق در پناه حمله آمریکا به عراق به قدرت رسیده بود . در ایران جریان ۲ خرداد و ناسیونالیستهای کرد درون حکومت به جنب و جوش افتاده بودند . این شرایط و در دل

انسان شرافتمندی محرز و آشکار است .

با توجه به شناخت از ریشه و پیشینه این جریان ناسالم ، احزاب ، تشکلهای و شخصیت های بسیاری در محکوم کردن این توطئه ها درنگ نکردند ، اما این افشاکاریها بار دیگر مردم آزادیخواه ، کارگران و کمونیستها را بر آن می دارد که باتوجه به اوضاع سیاسی متحول کنونی جامعه کردستان و ایران در مقابل چنین توطئه هایی هشیار و با برنامه باشند . ما از ابتدا و از بدو سرهم بندی شدن این جریان تاکید کردیم که علیرغم بیربطی باند زحمتکشان به جامعه اما می توانند به جنبش آزادیخواهانه و عدالتخواهانه خون بپاشند . کمونیستها و صف آزادیخواه جامعه کردستان باید تضمین کنند که با قدرت ، مدنیت جامعه را حفظ نمایند و از باب شدن این اقدامات جنایتکارانه و غیر انسانی جلوگیری

با گذشت حدود چهار هفته از افشاکاری یکی از اعضای سابق سازمان زحمتکشان مهدی به اسم شورش خراسانه ، و همچنین قدم جلو گذاشتن تعداد بیش تری از کادرها و مسئولین سابق این جریان و پرده برداشتن از طرح یا نقشه چند مورد ترور کادرهای حزب حکمتیست و دیگر مخالفین ، دست و پا زدن های آمرین و مجریان این ترورهای سیاه برای توجیه و فرار از زیر بار مسئولیت آن پوچ از آب درآمد .

با شهادت انسانهای حقیقی و حقوقی بیش تری که از نزدیک شاهد جزئیات برنامه ریزی این ترورهای جنایتکارانه بوده اند ، هیاهوی اولیه امنیتی کردن و ربط دادن این افشاکاری به جمهوری اسلامی و اطلاعات و غیره بسرعت دود شدند . اکنون دیگر واقعی بودن این ترورهای کثیف که متاسفانه هنوز بعضی از شاهدان آن به دلیل امنیتی نمی توانند زبان بگشایند بر هر

### نامه ای که لب های زیادی به سخن گفتن از شکنجه را گشود

مقامات جنایتکار اسلامی بنا به شگردهای همیشگی شان تلاش کردند شکنجه شدن بخشی را تکذیب کنند .

همانطور که قابل پیش بینی بود روز سه شنبه هشتم دیماه وزارت اطلاعات شکنجه اسماعیل بخشی را تکذیب کرد . با تکذیب وزارت اطلاعات و آنچه که اسماعیل بخشی در نامه اش از ماموران لمپن اسلامی گفته است ، این کیفر خواست و این جسارت تا همین جا ضربه ای کاری بر کشتی به گل نشسته نظام اسلامی وارد کرده است . اقدام اسماعیل بخشی برای نشر این نامه و بازتاب آن در داخل و خارج از ایران موجی از امید و تلاش برای تحرکات بعدی را فراهم کرده است .

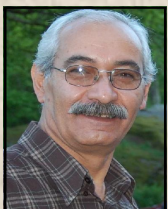
لازم است که فعالین و تشکلهای کارگری در ایران با تمام توان از اقدام اسماعیل بخشی حمایت کنند . جنبش کارگری و جنبشهای اعتراض اجتماعی برای اینکه بتوانند گامهای بلندی در جهت احقاق حقوق طبقاتی و انسانی خود بردارند باید بتوانند متحد ، یک پارچه از کیفرخواست اعلام شده از سوی اسماعیل

اسماعیل بخشی فقط رهبر اعتراضات و اعتصابات نیشکر هفت تپه نیست ، او تجسم بیان شوراها کارگری ، مدافع و سخنگوی طبقه استثمار شده ، حامی کارگران فولاد اهواز ، سخنگوی جنبشهای اعتراض اجتماعی و بالاخره مبتکر نوشتن نامه ای در توصیف توحش شکنجه گران است که این روزها زبانهای زیادی به سخن گفتن از شکنجه را گشود است . طی چند روز گذشته و بدنبال انتشار نامه اسماعیل بخشی در مورد شکنجه ها ، توهین و تحقیرهایی که کاربدستان اسلامی نسبت به او انجام داده اند ، دهها نفر در داخل کشور جرئت و جسارت پیدا کردند تا از آنچه که طی بازداشت و زندان بسرشان آمده است سخن بگویند .

هنوز باید از نقش او در جامعه ایران سخن گفت . نامه اسماعیل بخشی تا همینجا لیزه بر پیکر اصلی ترین مهره های مافیای اسلامی انداخته است تا جاییکه آنان را وادار به واکنش کرد و ظاهرا قوه قضاییه رژیم اسلامی دستور داد هیئتی به خوزستان برود و مسئله را پیگیری و به اطلاع مردم ایران برساند .

### یادداشت های هفته

عبدل گلپریان



به مردم ایران و افکار جهانیان شناساند .

۸ ژانویه ۲۰۱۹

۱۸ دی ۱۳۹۷

### در مورد طرح ترور سه تن از رهبران حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

وارد چند و چون ماجرا و پروسه طرح افشا شده و ناکام ماندن ترور سه تن از رهبران حزب حکمتیست توسط باند عبدالله مهدی نمیشوم چرا که به اندازه کافی در این مورد حرف زده شده ، نیروها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست قاطعانه آنها محکوم کرده و نوشته های مختلفی هم بر سر آن انتشار یافته است .



## نگاه هفته : مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان

بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل کرده‌اند.

**مرگ سومین کولبر  
بر اثر سرما در سال ۹۷**  
پانزدهم دی ماه، "یوسف (زانبار) محمدی اصل" اهل پیرانشهر در ارتفاعات مرزی "کانی خدا" این شهرستان به دلیل سرمازدگی جان سپرد.

**گزارش جلسه ی هفتگی برای  
کودکان - پیرانشهر -  
یکشنبه ۹ دی ۹۷**  
جلسه این هفته به ارائه ترجمه از سوی دو تن از اعضای کمیته هنر و ادبیات اختصاص یافت.

معرفی کتاب (مجموعه داستان) "استنلی" اثر جف براون (نویسندهی شهیر آمریکایی ادبیات کودک) و خواش ترجمه بخشی از کتاب "استنلی کاغذی" توسط گلاویژ درویش پور (کارشناس ارشد ادبیات فارسی)

ارائه ترجمه بخشی از کتاب "موش شهری و موش روستایی" توسط ژانیا رسولی (کلاس چهارم دبستان).

جلسات هفتگی برای کودکان روزهای یکشنبه ۳۰/۳ تا ۵ عصر در کافه کتاب اندیشه پیرانشهر برگزار خواهد شد. حضور برای همه علاقمندان به حوزه مسایل کودکان آزاد است.

**بازدید برای کودکان از "مدرسه  
کودکان استثنایی قریشی  
پیرانشهر"**

طی هفته گذشته، دوتن از اعضای تشکل برای کودکان با هدف اطلاع از وضعیت و ایجاد همکاری، از این مدرسه بازدید بعمل آورده و ضمن آن بازیهایی با توجه به تواناییهای کودکان با آنها انجام شد که امید است این دیدار آغاز یک همکاری پایدار و جدی باشد. لازم به ذکر است که این مدرسه تنها مدرسه کودکان استثنایی در سطح شهرستان بوده که دارای ۹۵ دانش آموز در سه مقطع (آمادگی، ابتدایی و پیش

جانباختن يك کولبر به دست نیروهای نظامی در مرز ارومیه شلیک مستقیم نیروهای نظامی مستقر در مرز ارومیه به سمت شماری از کولبران در این منطقه به جانباختن يك کولبر اهل محال صومای برادوست منتهی شد. روز پنجشنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۷، گروهی از کولبران در ارتفاعات مرزی صومای برادوست در مرز ارومیه مورد تیراندازی نیروهای نظامی قرار گرفتند و شلیک این نیروها منجر به جانباختن يك کولبر به نام "یعقوب (کامیان) نیکسیرت" اهل روستای "جوجهی" از توابع محال صومای برادوست ارومیه گردیده است.

### دستگیری ها

"مهدی کانی سوری و بارزان بابکری" اهل روستای "کانی سور" از توابع شهرستان بانه توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیدند.

پانزدهم دی ماه، نیروهای اطلاعاتی از اداره اطلاعات سنندج به منزل شخصی دو فعال اجتماعی به نام های "راشد منتظری" فعال محیط زیست و "حسین کمانگر" زندانی سیاسی سابق در کامیاران مراجعه و آنان را بازداشت کرده‌اند.

پانزدهم دی ماه، نیروهای اطلاعاتی از اداره اطلاعات سنندج به محل کار "عیسی فیضی"، فعال محیط زیست در خیابان "الک شهر" کامیاران یورش برده و او را بازداشت کرده‌اند.

شانزدهم دی ماه، نیروهای اطلاعاتی به اداره محیط زیست کامیاران یورش برده و آمانج قربانی کارمند این اداره و فعال محیط زیست را بازداشت کرده‌اند. نیروهای اطلاعاتی این کارمند اداره محیط زیست کامیاران را در مقابل چشمان همکارانش مورد ضرب و شتم شدید قرار داده‌اند و در حین بازداشت وی از چشمپند استفاده کرده و او را با خود برده‌اند.

شانزدهم دی ماه، نیروهای اطلاعاتی به محل کار "بختیار کمانگر" یورش برده و وی را

قبل پایبند به اهداف خود می‌باشند و نقطه به نقطه این زیست بوم را فارغ از هر گونه مرزی با نام شهید شریف باجور به میدان کارزار خود تبدیل خواهند نمود. ما این اعتماد و اطمینان خاطر را به تمامی ملتمان می‌دهیم که فرد به فرد جامعه در قالب يك انجمن ژینگه پاریزی، قد علم کرده و به حراست از کیان خویش می‌پردازند.

این انجمن زیست محیطی در پایان تاکید کرده است: ما یقین داریم که انجمن‌های سبز اندیش دیگر با نام و عناوین دیگر از گوشه و کنار سر بر خواهند آورد و پیشاپیش انجمن ژینگه‌پاریزی ولات حمایت قاطع خود را از آنها اعلام می‌دارد و از تمامی افراد جامعه تقاضا دارد که به صفوف انجمن‌های زیست محیطی بپیوندند و این واقعیت را در خود بپروارند که در آینده تخریبات زیست محیطی، زیست بوم را به سوی نابودی نیل می‌دهد و لازم است از هم اکنون با سازماندهی خود با این آسیب جهان شمول مبارزه کنند.

روز چهارشنبه دوازدهم دی ماه، مأموران شهرداری وسایل دفتر انجمن محیط زیست "ولات" بوکان را بیرون ریخته و دفتر را پلمپ کردند.

این اقدام مأموران شهرداری در زمان جلسه عمومی انجمن محیط زیست "ولات" بوکان صورت گرفته بود.

### احضار فرهاد محمدی

وکیل دادگستری

به ستاد خبری اطلاعات

فرهاد محمدی وکیل پایه یک دادگستری پس از احضار به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد اطلاعاتی انتقال یافت. فرهاد محمدی، طی ماههای اخیر چندین بار به اداره اطلاعات سنندج احضار و در رابطه با فعالیت‌هایش مورد بازجویی قرار گرفته بود.

### تجمع اعتراضی

مردم شهرستان ربط

۱۵ دی - تجمع اعتراضی جمعی از مردم شهرستان ربط در آذربایجان غربی به دلیل عملکرد بسیار بد اداره آب و نداشتن سیستم فاضلاب.

شرکت فعال در فستیوال معلولین. برجستگی و قابل توجهی این دو اقدام در متد و شیوه فعالیت این نهاد دیده میشود، "برای کودکان" قصد دارد از نیروی فشار به نیروی دخالتگر اجتماعی و موثر در جامعه تبدیل شود و با پرسپکتیف بالای اجتماعی فعالیت‌های نهاد "برای کودکان" را هدایت کند.

### انجمن محیط زیست "ولات" بوکان: فعالیت‌های زیست محیطی این انجمن با تخلیه یک اتاق پایان نمی‌یابد

انجمن محیط زیست / آژانس گردپا: انجمن محیط زیست "ولات" بوکان در بیانیه‌ای پلمپ کردن دفتر این انجمن توسط مأموران شهرداری را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده است: انجمن ژینگه‌پاریزی ولات به مدت بیش از چهار سال است به همت فرزندان سبز اندیش در راستای ارتقای اهداف زیست محیطی، فرهنگ سبز و انسانی، توسعه پایدار، دفاع از زیست بوم منطقه، مبارزه با تخریب و چپاول منابع زیست محیطی و دفاع از صیانت اندیشه سبز در شهرستان بوکان گام برداشته است. باتمامی موانع و سنگ اندازی‌ها، انجمن مسرانده از اهداف خود دفاع نموده و توانسته است با برداشتن گام‌هایی استوار خود را به عنوان يك سنت اجتماعی، در فرهنگ جامعه جای دهد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده، این تنش‌ها در چند ماه اخیر به صورت قابل توجهی تشدید شده و علی‌رغم حمایت مردمی و نهادها، موسسه‌ها، NGOهای زیست محیطی و ادبی متأسفانه در يك موضع نا متمدانه و غیر دمکراتیک اقدام به تخلیه دفتر کار انجمن ژینگه‌پاریزی ولات کرده‌اند، این امر تنها تخلیه و تلاش جهت تضعیف يك انجمن فعال و مردمی نیست، بلکه ناشنیده گرفتن حمایت و خواسته‌های مردمی و قشر روشن فکر و مترقی جامعه می‌باشد.

انجمن ژینگه‌پاریزی ولات ضمن محکوم نمودن این اقدام مأموران شهرداری و سپاس و قدردانی از حمایت‌های مردمی و NGOها در صحنه اعلام کرده است: فعالیت‌های زیست محیطی این انجمن با تخلیه يك اتاق پایان نمی‌یابد و اعضای آن مسرانده‌تر از

در چندماه گذشته ما شاهد دستگیره‌های وسیع و بستن دفاتر انجمن‌های زیست محیطی در تعداد زیادی از شهرها بوده‌ایم. حکومت اسلامی برای بسکوت کشاندن جامعه، سیاست احضار و دستگیری و احکام زندان و همزمان بستن دفاتر نهادهای اجتماعی از جمله انجمن‌های زیست محیطی را پیش گرفته است. سیاست دستگیری‌های وسیع را باید با قدرت اعتراض و مبارزه درهم شکست. حکومت اسلامی از ادامه و تدارم مبارزات در سطح سراسر و در کردستان می‌ترسد.

فعالین اجتماعی و از جمله فعالین زیست محیطی در چند سال گذشته نیروی فعال در دفاع از محیط زیست بوده‌اند. افشاکاری انجمن‌های زیست محیطی علیه مافیای تجاری غارت جنگلها خود نیز از فعالیت‌های برجسته این نهادهای اجتماعی است. دفاع از محیط زیست سالم و فضای سبز بر میزان هوشیاری مردم در دفاع از خواسته‌های انسانی و حق برخورداری از محیط زیست سالم با فرهنگ ارتجاعی و ضد انسانی حکومت اسلامی که بر پایه توحش اسلامی و استثمار و شکاف طبقاتی و زیر پا گذاشتن حرمت انسانی استوار است، در تضاد جدی است. فعالین زیست محیطی از شخصیت‌های مهم اجتماعی و محبوب جامعه هستند باید از فعالیت‌هایشان، از انجمن‌هایشان و حضورشان در جامعه بدفاع برخاستند. این نظام ضد انسانی قدرت مبارزه مردم را تجربه کرده است، خوب میدانند با بالا گرفتن اعتراضات خیابانی و دستیابی مردم معترض به تشکل و شوراهای اعتراضی بساط حاکمیت ضد انقلابی در کردستان پاکسازی و بیرون رانده میشوند. مبارزات مردم در کردستان در هماهنگی و همگامی با مبارزات سراسری قرار گرفته است و این خود فاکتور جدی در تقویت مبارزات اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم است.

ابتکار جالب "برای کودکان" پیرانشهر بازدید از "مدرسه کودکان استثنایی قریشی پیرانشهر" است. به نظر من خبر برجسته این هفته در دی ماه ۹۷ است. این نهاد دو ابتکار جالب را در دستور گذاشته‌اند. بازدید از "مدرسه کودکان استثنایی قریشی پیرانشهر" و

### عسل محمدی با تائین وثیقه آزاد شد



عسل محمدی، فعال مدنی با تائین وثیقه به صورت موقت و تا زمان اتمام روند دادرسی از زندان آزاد شد.

### اعلام حمایت مادر آتنا دائمی از نامه اسماعیل بخشی



مادر آتنا دائمی دختری هستم که بارها در زندان شکنجه شد، زمانی که دخترم در انفرادی بود بارها با فکر شکنجه شدنش شکستم هرگز نتوانستم از دخترم در مورد شکنجه های دوران بازجویی سوال کنم اما هر بار که کسی از من یا آتنا در مورد شکنجه ها سوال کرد و من مجبور به شنیدن شدم، شکستم، شکنجه نه فقط در دوران بازجویی بلکه در تمام مدت انفرادی و بازجویی و حبس و دادگاه و زندان و دادرسی در ایران رایج است، در تمام لحظه هایی که همراه با آتنا بودم در دادگاه و دادرسی شاهد بودم که قاضی و بازپرس و دادیار... هرگز دست از تحقیر و شکنجه روانی فرزندم بر نداشتن، این شکنجه ها فقط مختص زندانیان نیست، همراه با زندانی خانواده هایشان نیز شکنجه میشوند، نه فقط شکنجه روحی و روانی که خود من و دخترم هائیه سال گذشته زمانی که در مقابل زندان اوین برای پیگیری پرونده انتقال آتنا رفته بودیم به مدت پنج ساعت بازداشت شدیم و مورد ضرب و شتم ماموران و نیروهای لباس شخصی سپاه و زندان قرار گرفتیم، کتک زدن و فحاشی به یک مادر در کلام مسلک و دین و کشور مورد تایید است، زمانی که در مقابل زندان به همراه دختر کوچکم مورد هجوم حداقل ۱۰ مامور مرد قرار گرفتیم، خود را در مقابل دختر

کوچکم قرار میدادم تا ضربه های باتوم و شوکر به جگر گوشه ام اصابت نکند که آن ضربه ها بعد از گذشت یکسال آثار خود را نشان داده و امروز قادر به راه رفتن نیستم، زمانی که ماموران لباس شخصی الفاظ رکیک و جنسی به زبان می آوردند در خود شکستم و تحقیر شدم. اما تنها نگرانی من در آن زمان دخترم بود با تمام قدرتم دستش را در دستم نگه میداشتم که مبادا او را هم مانند آتنا من جدا کنند. شکنجه من، خورد شدن من، زمانی تکمیل شد که بعد از آن ضرب و شتم درد به جانم افتاد بارها با خود تکرار کردم چه بر سر فرزندم در انفرادی آمده؟ یا زمانی که دخترم را به زندان قوچک بردند چگونه او را مورد ضرب و شتم قرار دادند؟ زمانی که به من مادر رحم نکردند با او چه کردند؟ پس از گذشت چهار سال اکنون من آن فرد سالم سابق نیستم، مادری هستم با روحی آزاده و جسمی آسیب دیده که حتی ایستادن و راه رفتن برام دشوار شده، و شکنجه امروز من این است که به دلیل بیماری و جراحی شاید نتوانم برای مدت طولانی دخترم را ملاقات کنم و در آغوش بگیرم، من هم همراه با آقای اسماعیل بخشی خواهان پاسخ وزیر اطلاعات هستم، که مامورانشان بر اساس چه قانونی من و دخترم را مورد ضرب و شتم قرار دادند؟

### احضار لیلا میر غفاری به دادگاه

لیلا میرغفاری طی احضاریه ای که به وکیل وی، محمد حسین آغاسی ابلاغ شده چهارشنبه ۱۹ دی ماه به دادگاه عمومی شعبه ۱۰۵۰ باید مراجعه کنند. هنوز دلیل احضار لیلا میر غفاری مشخص نیست ولی طبق گفته های وکیل وی احتمالاً این احضار بدلیل کشف حجاب صورت گرفته.

### بازداشت مادر یاسمن آریایی و انتقال او به مکان نامعلوم

روز ۱۱ دی ۹۷ مادر یاسمن آریایی برای خرید کتاب برای یاسمن به خیابان انقلاب رفته بود که هنگام خروج از کتاب فروشی متوجه شد پیر مردی توسط نیروهای امنیتی، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بیهوش روی زمین افتاده مادر

یاسمن در تلاطم این حوادث، بدون اینکه وارد تجمعات بشود ناگهان توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده و از طریق یک خودرو به مکان نامشخصی منتقل شده. یاسمن آریایی پس از شنیدن خبر دستگیری مادرش در وضعیت روحی نامناسب قرار گرفته است.

### نامه گلرخ آریایی از زندان اوین

ایستاده ایم و مصریم بر احقاق حقمان در این روزهای پر التهاب که پاسخ اعتراض را به حبس و شکنجه و ترور و اعدام خواهند داد ز ژرف آتش و خون، به صبح توده نوید خواهیم داد، رهایی خلق ایران را، که نبرد ما را آیین است، حتی اگر کهکشان فردایش ز خون مان و ز سرخ چهر هامان آذین بندد نقاب تزویر و ریای مکارانه به زیر افکنده شد.

ایستادیم. کشته دادیم و ماندیم. سفره های بی نان گشودیم و ادامه دادیم. بر گور قلم، سرود آزادی خواندیم و از پای ننشستیم و حال بر دیوار لرزان و پایه های ارتجاع می کوبیم. تا لرزشی دوباره. تا عمیق تر شدن ترک های افتاده بر پیکر استبداد ایستادیم حتی اگر دشمنه زهرآگین دژخیم، پهلویمان را دریده قصد جان مان را کنند. ایستاده ایم در کنار کارگرانی که حقوق معوقه شان مرز ماه و سال را درنوردیده است. ایستاده ایم با رانندگانی که هراسی از شاخ و شانه کشیدن های او که خود را قاضی القضاات میخواند به دل راه ندادند و مصرند بر احقاق حقوق پایمال شده شان. ایستاده ایم با معلمان در بند ۹۷

دانش آموزان شان مهر دیگری را بی آنان آغاز کرده اند.

با کولبران کردستان هدف گلوله کین قرار گرفتیم و با فعالان محیط زیست به آتش کشیده شدیم. با کودکان بلوچ در کپرها کلاس درس برپا نمودیم و دستان یخ زده مان را در تصور کانکس های وعده داده شده به مردم زلزله زده کرمانشاه گرم نمودیم.

با مسکن مهر آوار شدیم. و با اندوخته های مالی کشور ته کشیدیم. با خوزستان ریخا را از ریزگردها پر کردیم و با درویش تن به باتوم و سر به دار دادیم.

با دهه شصت در دشت بی

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

### عزیزه نطف الهی



انحصاری رسانه ها - تا برچیده شن دادگاههای فرمایشی و پایان دادن به خفقان و فضای امنیتی حاکم بر جامعه - و تا توقف خصوصی سازی ها و بازگرداندن اموال فرودستان از جیبهای غیر بر سر سفره شان حتی اگر دوباره و دوباره به زنجیرمان کشند ایستاده ایم و مصریم بر احقاق حقمان در این روزهای پر التهاب که پاسخ اعتراض را به حبس و شکنجه و ترور و اعدام خواهند داد، ز ژرف آتش و خون، به صبح توده نوید خواهیم داد، رهایی خلق ایران را، که نبرد ما را آیین است، حتی اگر کهکشان فردایش ز خون مان و ز سرخ چهر هامان آذین بندد نقاب تزویر و ریای مکارانه به زیر افکنده شد.

باشد که تاج استبداد در هم شکنیم.

گلرخ ابراهیمی آریایی  
بند زنان زندان اوین  
۱۴ دیماه ۹۷

### خودکشی یا قتل زهرا نوید پور



جسد بی جان زهرا نوید پور قربانی تجاوز جنسی نماینده جانی ملکان، در منزل نا مادری اش یافت شد.

منابع خبری در بیمارستان فارابی شهرستان ملکان یکشنبه ۱۶ دی از انتقال جسد زهرا نوید پور به این بیمارستان خبر دادند.

زهرا نوید پور در طول چهار سال گذشته توسط نماینده جانی شهرستان ملکان سلمان خدادادی مورد تجاوز قرار گرفته بود.

همچنین، پیگیری های حقوقی و قضایی پرونده ایشان بی نتیجه ماند و این قربانی تجاوز جنسی همواره توسط اطرافیان نماینده ملکان مورد تهدید قرار داشت.

\*\*\*

## بیانیه حزب کمونیست کارگری: در دفاع از اسماعیل بخشی و برای سرنگونی حکومت زندان و شکنجه

اسماعیل بخشی رهبر محبوب و مشهور کارگران نیشکر هفت تپه در اقدامی جسورانه در نامه ای به وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از فشار و شکنجه های غیرقابل تحملی که در زندان بر او اعمال شده پرده برداشته و وزیر اطلاعات حکومت را به مناظره دعوت کرده است.

این رهبر کارگری در ۲۷ آبان ماه در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد و به مدت ۲۵ روز در زندان و زیر شکنجه جانیتکاران بود. گناه اسماعیل بخشی این بود که در برابر مفتخوران حریصی که دستمزد فقیرانه کارگران را با قلدری بالا میکشند و زندگی و معیشت کارگران را به گروگان گرفته اند، با جسارت از کارگران دفاع کرد. گناه اسماعیل بخشی این بود که به ظلم و تعدی آشکار کارفرمایان حریص و انگل علیه کارگران تمکین نکرد. گناهش این بود که از حق اشتغال، حق تشکل و از شورای مستقل کارگری دفاع کرد. گناهش این بود که از حق و حقوق پایه ای کارگران دفاع کرد. او در جریان مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه به صدای اعتراض همه مردم علیه مفتخوران تبدیل شد و در قلب کارگران و دانشجویان و معلمان و پرستاران و هزاران فعال سیاسی و اجتماعی جا گرفت. دستگیری او یک دهن کجی و گستاخی حکومت به کل مردم بود. با دستگیری اسماعیل بخشی جمهوری اسلامی نه فقط علیه کارگران بلکه علیه همه مردم اعلان جنگ کرد. با این اقدام خشم و نفرت در سراسر کشور علیه حکومت ضد کارگری و ضد انسانی حاکم عمق و گسترش بیشتری یافت و اکنون نامه اسماعیل بخشی و شرح شکنجه هایی که بر او رفته، در واقع به کیفرخواست همه کارگران و استثمارشوندگان، همه شکنجه شدگان، همه خانواده های جانباخته و همه مردمی که برای رفاه و آزادی مبارزه میکنند تبدیل میشود و موج قدرتمندی از اعتراض و تعرض به حکومت و همبستگی با کارگران و رهبران کارگری را در سراسر کشور دامن میزند. نامه اسماعیل بخشی پرچم جامعه علیه

سرکوب و شکنجه و بیحقوقی و بیحرمت کردن مردم را در دست طبقه کارگر قرار میدهد، باروت تازه ای به جنبش دادخواهی میدهد و جنبش سرنگونی طلبانه و جنبش کارگری را گام دیگری به جلو میبرد.

اسماعیل بخشی صدای کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران و مردم حق طلب بود و اکنون با نامه جسورانه و افشاگرانه خود در واقع کل جامعه را به اعتراض به سیستم زندان و شکنجه فرا میخواند.

## دعوت اسماعیل بخشی از علوی وزیر اطلاعات به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی متن نامه اسماعیل بخشی



جناب آقای علوی در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آنها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خره مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهندگی اصلی آنها فقط شخص شما می باشد و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی توانستم تکان بخورم و آقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم جزا آور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده های شکسته ام، کلیه ها، گوش چپم و بیضه هایم احساس درد می کنم.

جالب اینکه شکنجه گران خود را سرباز گمنام امام زمان می نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش های رکیک جنسی می دادند و ایشان را هم کتک می زدند اما از شکنجه ای جسمی بدتر، شکنجه های روانی بود، نمی دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دستهایم می لرزد، منی که زمین زیر پایم می لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص های اعصاب و روان گاهی دچار حمله های شدید عصبی روحی و روانی می شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه ی یک بازداشتی

چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟ مسئله دوم که برای من و خانواده ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجویی می گفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی می دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزات با تو دعوا کرده است گفتیم از کجا می دانید گفت مدت ها تماس های تو «شنود» می شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که: آیا «شنود» خصوصی ترین مکالمات انسان ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می کنم.

اسماعیل بخشی  
۱۴ دی ۹۷

### نگاه هفته مجموعه ...

از صفحه ۴

این مدرسه اعلام می کند.  
به امید تحقق جهانی  
شایسته انسان

"برای کودکان" - دی ماه  
۱۳۹۷

### رهایی دو زندانی در ارومیه از اعدام/ ۵ تن در بوشهر نجات یافتند

دو زندانی متهم به "قتل" محبوس در زندان ارومیه با پرداخت دیه و رضایت اولیای دم از مرگ رهایی یافتند. همچنین رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت که طی ۹ ماهه سال جاری ۵ زندانی محکوم به اعدام در این استان از مرگ رهایی یافتند.\*

بهداشت، مربی ورزشی، گفتار درمانگر فیزیوتراپیست، کار درمانگر و مشاور. این در حالی است که این کودکان با توجه به شرایط ویژه شان نیاز به رسیدگی، توجه و امکانات مناسبی دارند و این خدمات پایای ترین و در عین حال ضروری ترین نیاز این کودکان است.

برای کودکان "ضمن اینکه ارائه خدمات و تجهیز چنین مراکزی را از وظایف ارگانهای مربوطه و دولت میدانم. آمادگی خود را جهت هرگونه همکاری با

حرفه ای) است. متأسفانه این مدرسه نیز مثل بیشتر مکانهای آموزشی و مدارس دیگر دارای مشکلات عدیده ای است که آموزش و پرورش تاکنون هیچ گونه برنامه و یا تصمیم جدی نسبت به آن اتخاذ نکرده است.

عمده ترین مشکلات این مدرسه عبارتند از:

۱. کمبود فضای آموزشی و محیط مورد نیاز
۲. کمبود فضای ورزشی مناسب
۳. کمبود شدید نیروی انسانی، اعم از مربی



## یادداشت‌های هفته...

از صفحه ۳

فرضم بر این است که همگان از این ماجرا مطلع هستند.

سر راست وارد واکنش رضا کعبی که بعنوان یکی از بازیگران این طرح توسط شورش خراسانه معرفی شده است در برخورد به این مسئله در یادداشتی که انتشار داده است می‌شوم.

یادداشت برائت رضا کعبی را بدقت خواندم. چند نکته در این نامه قابل تامل است.

رضا کعبی در این یادداشت که در صفحه فیسبوک خود منتشر کرده است، ده بار از خودش با بکارگیری "من"، در این یادداشت برائت نامه استفاده کرده است بدون اینکه یکبار به این اشاره کند و بگوید "آنها" یعنی آن دو نفر دیگر که شورش خراسانه از آنان نیز اسم برده است دفاع کند. علاوه بر این از آنجا که شورش خراسانه سه نفر را نام میبرد که در چهارچوب اتخاذ تصمیم یک جمع در پلنوم مرکزیشان چنین طرحی را روی میز گذاشته اند، باز هم رضا کعبی از صحت یا ناروا بودن این طرح توسط سازمانش در این نشست حرفی بمیان نمی آورد. تمام برائت جویی رضا کعبی از خودش بعنوان یک فرد است که معتقد است در آن دست نداشته است. جملاتی برگرفته از یادداشت رضا کعبی در دفاع از خود که ده بار نوشته است "من" که هر ده مورد را داخل گیومه گذاشته ام دقت کنید.

زندگی سیاسی "من" با آنها معنی پیدا نموده است.....

در روزهای گذشته اتهاماتی به "من" وارد شده است.....

تا جایی که به "من" برمیگردد.....

"من" در بیان اختلافات سیاسی....

"من" بر اتحاد و رفاقت و نزدیکی.....

همه پیشمرگانی که با "من" همسنگر بوده میدانند.....

"من" نه تنها در هیچانی ترین مباحث سیاسی.....

"من" این اتهامات را در باره خودم قویا رد میکنم.....

"من" معتقدم مردم کردستان.....

"من" در مبارزه سیاسی، خودم را به حفظ چنین.....

فرض را بر صحت آنچه که او نوشته است

میگذارم و اصلا فرض را بر این نمیگیرم که شورش خراسانه اسامی فقط ( بهرام رضایی و صباح امینی ) را برده باشد، آیا رضا کعبی در دستور قرار دادن این طرح در پلنوم سازمان مهتدی را تایید یا تکذیب میکند؟

چرا در یادداشت رضا کعبی سر سوزنی در رد این طرح توسط طراحان و انتخاب دستورهنگاران دیگر دفاعیاتی وجود ندارد؟!

اعاده حیثت رضا کعبی از خودش زمانی میتواند موضوعیت داشته باشد که واقعیت مسئله را آنگونه که شورش بیان کرده است بر ملا سازد و دستکم برای افکار عمومی روشن سازد که چنین طرحی توسط مهتدی و شرکایش در آن جلسه مطرح شده است اما او یعنی ( رضا ) نه دخالتی داشته و نه با آن همسو بوده است. امیدوارم رضا کعبی صادقانه و شرافتمندانه این حقایق را برای دیگران روشن کند و اگر به آنچه که در نامه اش نوشته و باور دارد، خود را از آن منجلا بیرون بکشد.

## جنبه حقوقی

کسانی میگویند که شورش باید سند و مدرک رو کند. آنانی که دنبال سند و مدرک هستند، چه بخواهند و چه نخواهند دارند به چشم دیگران خاک می پاشند و ذره ای امور حقوقی و قضایی را نمیشناسند. در امر حقوق و کار قضایی در تمام دنیا هیچ مدرک و سندی نمیتواند جای شاهد زنده را پر کند. آیا مدرکی محکم تر از وجود شاهد یا شاهدانی زنده را با اسم و رسم خود میتوان نشان داد.

## جنبه سیاسی

با و بدون دخالت و ایفای نقش رضا کعبی در اجرای این پروژه بغایت کثیف، کوتاه این را اشاره کنم که رجوع مهتدی و تیمش برای دست بردن به چنین روش زشت و سخیفی، قبل از هر چیز نشاندهنده ورشکستگی جریانات قوم پرست است. دست بردن به حذف فیزیکی مخالفین و یا هر انسان دیگری ابدا در دایره هیچ گونه اختلاف سیاسی، صندلی و پست و مقام و غیره هم نمیگنجد بلکه اسم این روش یعنی جنایت تمام عیار از سوی باندها و شبکه های مزدور.

این گونه تلاشها را مهتدی و دارودسته اش در بارگاه طالبانی و بارزانی که زمانی در آغوش جمهوری اسلامی به آنان دیکته شده بود آموزش دیده اند تا در مقطع ورشکستگی سیاسی شان از گزینه ترور گرفته تا اجرای عملیات ایزانی بر مقرات کومه له، آنرا اتخاذ کنند.

در خاتمه خطاب به آنانی که به امید بقول خودشان "برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی" در صفوف این جریان باند سیاهی حضور دارند میگویم که اکنون دیگر با آشکار شدن ماهیت یک شبکه تروریستی نباید شبه ای وجود داشته باشد و صف خود را از این جماعت جدا کنید.

دوم خطابه به رسانه های موجود در کردستان عراق است که تحت هیچ عنوانی نباید به شبکه ها و باندهای تروریست تریبون داد. وظیفه رسانه های واقعی که امر خود را خدمت به اهداف انسانی میدانند این است که این جریانات کانگستر و باند سیاهی را باید هر چه بیشتر افشا و رسوا کرد.

۴ ژانویه ۲۰۱۹

۱۴ دی ۹۷

.....

## اطلاق "خانواده بزرگ" به حزب کمونیست تناقضی با یک واقعیت تاریخی

اخیرا صفحه ای بنام یادگاران در فیسبوک راه اندازی شده و عکسهایی از دوران دهه شصت خورشیدی متعلق به اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب ( کومه له ) در آن منتشر شده است .

بعنوان کسیکه عضوی از آن تاریخ در حزب کمونیست ایران و کومه له بودم از این اقدام استقبال میکنم.

مبتکر صفحه یادگاران اقدام بجا و درستی برای جمع آوری این تصاویر انجام داده است که عکسها و یا ویدئوهای آندوران را یکجا در این صفحه جمع کرده است .

اینها تصاویر ثبت شده جانباختگان و تصاویر آنانی است که خوشبختانه در قید حیات هستند و متعلق به همه کسانی است که آن تاریخ را رقم زده، از آن خود دانسته و در آن دوران در راه آرمانهای کمونیستی و برای برقراری جامعه ای آزاد و برابر مبارزه کردند .

جایی در این صفحه یادگاران خواندم که از همگان خواسته شده که اگر عکسهایی متعلق به آن تاریخ را در اختیار دارند در این صفحه که از آن بعنوان "خانواده بزرگ" نام برده شده است به اشتراك بگذارند.

اطلاق "خانواده بزرگ" یا هر اسم دیگری از این قبیل بر روی اسناد تصویری تاریخ یکدوره معین نادیده گرفتن عظمت آن تاریخ است. چه آنانی که جانباختند و چه آنانی که در قید حیات هستند بخاطر تشکیل "خانواده ای بزرگ" دور هم جمع نشدند. بیان این اسم چه

آگاهانه و چه ناآگاهانه، کشیدن خط بطلان بر تاریخ تلاش عظیم نسلی از کمونیستهای متشکل در حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب ( کومه له ) است و اطلاق آن در ظرفیت "خانواده بزرگ" کوچک شمردن و دستکم گرفتن ایفای نقش برجسته انسانهای متشکل در حزب کمونیست و سازمان کردستان حزب در این تاریخ معین است. بیان "خانواده بزرگ" قبل از هر چیز تصویری عشیره ای، طایفه ای و فرقه ای از آن تاریخ را در اذهان تداومی میکند و نافی نقش و جایگاه کمونیستها، کارگران، مردم کردستان و در مجموع حزب کمونیست است.

هر کسی یا جریانی ممکن است امروز با حزب کمونیست ایران و کومه له زاویه داشته باشد که امری بسیار طبیعی و قابل درک است، اما مجاز نیست واقعیت وجودی تاریخ مشخصی را با عناوین دیگری دستکاری کند.

در اغلب این تصاویر بروشنی نام کنفرانسها، کنگره ها، زنده باد حزب کمونیست ایران، شعارهای زنده باد سوسیالیسم، آزادی برابری حکومت کارگری، بسوی سوسیالیسم و بالاخره کوهی از نوشته و ادبیات کارگری از کمونیستها به همراه فعالیت در میان توده های مردم کردستان و فعالیت مسلحانه نهفته است . نام گذاری این تاریخ تحت عنوان "خانواده بزرگ" نه تنها برانزنده این تاریخ پرافتخار نیست بلکه نادیده گرفتن جایگاه تاریخی آن حزب در تحولات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی جامعه ایران و کردستان است.

۱۳ دی ۹۷

۳ ژانویه ۲۰۱۹

.....

## متهم در مقام شاکی!

روز دوشنبه هفتم ژانویه باند مهتدی بیانییه ای انتشار داد و در این بیانییه ضمن تاختن به حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب ( کومه له ) و کمونیسم کارگری، با بکار بردن ادبیاتی که تنها ویژه این جریان است، از موضع شاکی ظاهر شده و بعنوان نیرویی که گویا در مقطع خروجشان از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له "مورد استقبال مردم کردستان قرار گرفته اند" معرفی کرده است و با طفره رفتن از طرح ترور رهبران حزب حکمتیست مدعی شد که خود قربانی تروریسم است و میخواهد از مجاری قانونی اتهاماتی را که به آنان وارد شده است پیگیری کند. لینک بیانییه در انتهای این نوشته موجود است.

باند عبدالله مهتدی با انتشار این نوع بیانییه ها میکوشد از اقدامات کثیفی که در دستور داشته و اخیرا به همت دو تن از

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdulgolparian1@gmail.com

## کیفرخواست اسماعیل بخشی و قد بر افراشتن جنبش دادخواهی

## شهلا دانشفر

اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه طی نامه ای از شکنجه هایی که بر او شده، از تحقیرها و توهین ها و شوندهای تلفن هایش در منزل و نقض پایه ای ترین حقوقش در زندان سخن میگوید. او با این نامه بطور واقعی کیفرخواست مردم را علیه سیستم زندان، شکنجه، اعدام و زیر پا گذاشته شدن حرمت انسانی و بی حقوقی ها اعلام کرده و با فراخواندن علوی وزیر اطلاعات حکومت اسلامی به مناظره، حکومت شکنجه را به مصاف گرفته است.

جنبش گسترده ای حول اعتراض اسماعیل بخشی برافزاده است و این جنبش می رود که به حرکتی قدرتمند علیه ۴۰ سال سرکوب و جنایت تبدیل شود.

اسماعیل بخشی این نامه را در ۱۴ دیماه نوشته است و انعکاس وسیع اجتماعی اش آنچنان لرزه ای بر ارکان حکومت وارد کرده است که آنها را وادار به نشان دادن واکنش کرده است. از جمله نمایندگان مجلس گرفته تا استانداران خوزستان و برخی امام جمعه ها و ستون نویسان برخی از روزنامه ها و جناحهای حکومتی اصولگرا و "اصلاح طلب" و شخصیت های بیرون و درون حاکمیت واکنش هایی از انکار شکنجه تا تردید و یا تایید های ضمنی از خود نشان داده اند. برای مثال اژه ای جلال سخنگوی قوه قضاییه در عکس العمل به نامه اسماعیل بخشی با گفتن اینکه از دیگران شنیده است و خودش هم دیده است که نامه ای به وزیر اطلاعات داده شد، پاسخگویی را به این وزارتخانه و پیگیری آنان احاله داده است. علی اکبر گرجی اندرزبانی معاون پیگیری اجرای قانون اساسی روحانی نیز در صفحه اینستاگرامش در این رابطه واکنش نشان داده و میگوید: "بخشی باید در اسرع وقت شکایت کند. حشمت الله فلاحت پیشه، رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران از این خبر داده است که موضوع شکنجه اسماعیل بخشی در جلسه هجده دیماه در کمیسیون امنیت ملی بررسی می شود. استاندار خوزستان نیز با بیشرمی تمام گفته های بخشی را تکذیب کرده و میگوید: "آنچه من مطلع شدم و سوال

کردم این است که هیچ شکنجه ای در کار نبوده و رویه ما با این مسأله نیز به صورت اجتماعی و کارگری است و اگر چنین نبود که بروردهای دیگری با وی صورت می گرفت. ایشان با پادرمیانی و وساطت من و رای اعضای شورای تأمین آزاد شده است. من در آنجا گفتم وقتی شرایط آرام شده و مسأله ای نیست، چرا باید ایشان همچنان در بند باشد و باید آزاد شود."

واکنشی دیگر از همین دست به نامه اسماعیل بخشی از جانب صادق زیبا کلام است. او چهره مدافع حفظ نظام جمهوری اسلامی است که در خلال اعتراضات سراسری زمستان ۹۶ اعلام کرد حتی اگر لازم باشد در دفاع از جمهوری اسلامی اسلحه هم بدست میگیرم. زیبا کلام با ارسال توییتی به نامه اسماعیل بخشی عکس العمل نشان داده و در آن از یک طرف در لباس حمایت از اسماعیل بخشی ظاهر میشود و از سوی ابزار شکنجه را برای مواردی مثل اینکه کسی برانداز باشد و یا برای تخلیه اطلاعاتی از مخالفین رژیم مشروع اعلام کرده است. این اظهارات دستپاچگی حکومتیان و وحشتشان از زلزله ای که با جنبش دادخواهی مردم بر پا شده است را به روشنی نشان میدهد.

توثیق صادق زیباکلام واکنش های اعتراضی زیادی در فضای مجازی برانگیخت. یک نمونه اش پاسخ رویا صغیری دانشجو و از دختران انقلاب در تبریز است که پس از تظاهرات سراسری دی ماه ۹۶ بازداشت شد. او در واکنش به گفته های زیبا کلام چنین مینویسد "تا امروز چیز زیادی از روزهای بازداشت و زندان ننوشته ام؛ معتقدم آنچه بر من گذشته، درمقابل آنچه زنان مردان ما نشان با شرافت گره خورده، زسته اند، هیچ نیست. و بعد از خواندن روایت اسماعیل بخشی از زندان و شکنجه و عواقب ادامه دار روحی و جسمی آن، مطمئن شده ام که همینطور است. اما مشاهده ی توییتی از زیباکلام استوارطلب و مجوزی که برای شکنجه ی گروه هایی مشخص صادر کرده، به نوشتن وادارم کرد". در ادامه رویا صغیری از شکنجه هایی که به او و خانواده اش وارد شده، لب به سخن میکشاید.

نامه اسماعیل بخشی در قلب مردم نشسته و جنبش دادخواهی را با قدرت

به جلو آورده است. این جنبشی است که با کارزارهایی چون "ما همه بخشی هستیم"، "من هم شکنجه شده ام"، قد علم کرده است. از جمله در همین مدت کوتاه بسیاری کسان قدم به جلو گذاشته و با شعار ما همه بخشی هستیم و شعار نه به شکنجه نه به زندان، دارند دادخواهی میکنند و خواستار پاسخگویی حکومتیان هستند. ضمن اینکه در این حرکت بخش های مختلف مردم با طومارهای اعتراضی و بیانییه های حمایتی شان، اسماعیل بخشی را در حلقه همبستگی و پشتیبانی خود قرار داده و از حکومت شکنجه و شلاق پاسخ میخواهند. همچنین این دادخواهی ها هم اکنون به موضوع داغ تویتر و دیگر مدیای اجتماعی تبدیل شده است.

گوشه هایی از کارزار علیه شکنجه و سرکوب و در حمایت از اسماعیل بخشی - معصومه نعمتی، مادر آتنا دائمی طی نامه ای اعلام میکنند: "من هم همراه با آقای اسماعیل بخشی خواهان پاسخ وزیر اطلاعات هستم که مامورانشان بر اساس چه قانونی من و دخترم را مورد ضرب و شتم قرار دادند؟ مادر آتنا در نامه اش از شکنجه هایی که بر دخترش آتنا وارد شده و جریان دستگیری وحشیانه او و دستگیر خودش و دختر دیگرش هانیسه سخن میگوید و طلب کیفرخواست میکند. آتنا دائمی مدافع حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام است و از مهر ماه ۹۳ با اتهامات امنیتی و با ۷ سال حکم در بازداشت بسر میرود.

- محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری طی نامه ای تحت عنوان "خطاب به چند نفر از نمایندگان مجلس و علی اکبر گرجی اندرزبانی" از دوران بازداشت خود از زندان اطلاعات سنجید و از دست دادن کلیه هایش به خاطر قطع داروهایش برای مدتی ۹۳ ساعت، سخن می گوید. او در پاسخ به عکس العمل تعدادی از نمایندگان مجلس اسلامی و معاون ارتباطات مبنی بر پیگیری اجرای احکام قانون اساسی و گفتن اینکه اسماعیل بخشی می تواند از طریق شکایت به "مراجع صالحه" مورد شکنجه را پیگیری کند، اولین سوالات اینست آقایان محترم به نظر شماها مراجع صالحه در کشور ما کدام ها هستند؟ و در آخر تاکید کرده و

مینویسد: "ما کسانی که مکرراً زندان و بازداشت را لمس کرده ایم، این موضوع را به خوبی می دانیم. شما ها نیز با این اظهارات احساسی نمی توانید ما را از راهی که همان علنی کردن برخورد های غیر انسانی مسئولان امنیتی در زمان بازداشت علیه زندانیان صورت می گیرد باز بدارید. شما ها فکر می کنید شکنجه تنها شکنجه فیزیکی است؟ آقایان محترم ده ها نوع شکنجه سفید در بازداشتگاه های مخوف اداره اطلاعات وجود دارد که شما حتی نمی توانید یک مورد آن را تحمل کنید. "محمود صالحی در نامه اش از همه افراد زندانی، بخصوص کارگران تقاضا میکند که خاطرات بازداشت و برخورد های مسئولان امنیتی را مکتوب و و در اختیار جامعه قرار دهند.

- شورای بازنشستگان ایران طی بیانییه ای اقدام اسماعیل بخشی و نامه او به وزیر اطلاعات و فراخوان وی به مناظره را مورد پشتیبانی قرار داده است. در بخشی از این بیانییه چنین آمده است: "این فقط یک نامه ی اداری و درخواستی نیست، یک مطالبه است. یک کیفرخواست است. یک نامه ی تاریخی است. و مردم به عنوان صالح ترین قاضی تاریخ، این نامه را پیش رویشان دارند و قضاوت خواهند کرد."

- بعد از انتشار نامه اسماعیل بخشی، زیر هشتگی با عنوان من هم شکنجه شدم برخی موارد اعمال شکنجه در زندان ها از سوی شکنجه شدگان مطرح شده است. از جمله شیما بابایی از دختران خیابان انقلاب در پستی در اینستاگرام صدای اعتراضش را به شکنجه و سرکوب بلند میکنند. او در بخشی از این نوشته با طرح این سوال که آیا جمهوری اسلامی می تواند پاسخگو شکنجه هایی باشد که به ناحق در تمام این سالها در زندان هایش اتفاق افتاد، مینویسد: "دلیل برهنه کردن زندانی سیاسی چیست؟ من دختری که در سن ۲۱ و ۲۳ سالگی در بازجویی های سپاه شارانله و وزارت اطلاعات مدام تحت شکنجه روحی قرار گرفتم مگر چه کرده بودم که مستحق چنین رفتاری بودم؟ نه به خاطر فریب دشمن باعث مرگ بیش از ۷ هزار نفر از هم وطنانم شده بودم و نه پول مردم را به جیب زده در خارج از ایران مشغول عیاشی بودم."



- مجید توکلی، فعال دانشجویی سابق، که از آذرماه سال ۸۸ در زندان بود یکی دیگر از کسانی است که در رشته توییتی تجربهای شخصی اش از شکنجه در بازداشتگاه ها را منتشر کرده است.

- جمعی از وکلای دادگستری ایران طی نامه ای سرکشاده به روحانی در مورد ضرورت رسیدگی به موضوع شکنجه اسماعیل بخشی نامه ای داده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "سالیان سال است که شکنجه ایران و ایرانیان را رنج می دهد و بصورت سیستماتیک در نهادهای خاص امنیتی و اطلاعاتی متهمین و ملت ایران را آزار می دهد و قوه قضاییه نه تنها نظار گر و ساکت بوده بلکه همگام و همراه آنان بوده است و با انکار و تکذیب نمی تواند پاسخگویی تاریخ و ملت ایران بود."

جنبش دادخواهی، جنبش علیه زندان و شکنجه با قدرت به جلو میرود. در جلوی صف این جنبش اسماعیل بخشی حرکت میکند باید از او وسیعاً حمایت کرد و به این جنبش پیوست.

نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض تک تک زندانیانی است که امروز در زندانهای رژیم اسلامی اسپرند. نامه اسماعیل بخشی از جمله کیفرخواست معلمان زندانی، دانشجویان زندانی و مردم معترضی است که بخاطر دفاع از زندگی و معیشتشان و در دفاع از انسانیت جنگیده اند و سرخم نکرده اند. نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز و کسانی چون علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد بهشتی و محمود بهشتی هاست.

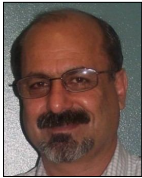
این نامه اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و علیه زندان، شلاق و کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری حاکم است. وسیعاً به جنبش نه به زندان و شکنجه، "ما همه بخشی هستیم" پیوندیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
[www.free-them-now.com](http://www.free-them-now.com)

۱۷ دی ۹۷

نامه اسماعیل بخشی اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و علیه زندان، شلاق و کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری حاکم است. وسیعاً به جنبش نه به زندان و شکنجه، "ما همه بخشی هستیم" پیوندیم.





## یک نامه سرگشاده یک حکومت را آچمز کرد!

محسن ابراهیمی

خون این کارگران را مکیده است به شلاق محکوم کردند؟ مگر برای کشتار کارگران خاتون آباد، برای لشکر کشی به کارگران آذربایجان و هپکو و فولاد اهواز و هفت تپه و صدها اعتراض کارگری دیگر نیازی به این توجیحات داشتند؟

به این ترتیب، سؤال این است که چرا محافل امنیتی میلیاردهای حاکم در جمهوری اسلامی به این صرافت افتاده اند که این بار پای حزب کمونیست کارگری را به میان بکشند؟ روشن است که این کار را میکنند چون ابلهانه تصور میکنند که با چسباندن رهبران کارگری به حزب کمونیست کارگری میتوانند ردالت و جنایت و شکنجه و سرکوبگریشان را توجیه کنند.

اما این تصور ابلهانه است. میدانید چرا؟ چون نمی فهمند که با این کار فقط میتوانند دار و دسته های خودشان را توجیه و راضی کنند. نمی فهمند که تداعی کردن فعالیت های یک رهبر کارگری فعال در راه حرمت و کرامت و سعادت و رفاه کارگران با حزب کمونیست کارگری که برای برابری و آزادی و رفاه کارگران و شهروندان مبارزه میکند، فقط برای محافل حاکم میلیاردر جرم محسوب میشود و نه برای میلیون ها کارگر و میلیون ها شهروند خواهان آزادی و برابری و رفاه. نمی فهمند که تداعی کردن یک رهبر محبوب کارگری با یک حزب محبوب هم آن رهبر کارگری را محبوبتر میکند و هم آن حزب را. از این درجه بلاهت مقامات حکومت اسلامی باید خوشحال بود.

۱۸ دی ۱۳۹۷ - ۸ ژانویه ۲۰۱۹

ادعاهای اخیر رئیس کمیسیون امنیت مجلس اسلامی هم دقیقاً دارد ترسشان از چنین آینده ای را منعکس میکند. این اظهارات انعکاسی از استیصال این حکومت در مقابل جنبشی به عظمت میلیون ها کارگر و میلیون ها شهروند برای رهایی از این حکومت است.

### سفاقت:

استیصال سیاسی همیشه سفاقت سیاسی به بار می آورد. اظهارات اخیر رئیس کمیسیون امنیت ملی یکی از نمونه های بسیار جالب توجه از این نوع سفاقتها است.

معلوم است که بعد از اعتصابات و اعتراضات قدرتمند کشت و صنعت هفت تپه و به موازات آن اعتراضات کارگران فولاد و اعتراضات وسیع کارگری دیگر، مقامات حکومت اسلامی در اتاق فکرهای وزارت اطلاعات و امنیت کلی غور و تفحص کرده اند تا با حمله به یک رهبر کارگری محبوب کل این وضعیت را مثلاً وارونه کنند.

به این نتیجه رسیده اند که با تداعی کردن این رهبر کارگری محبوب با حزب کمونیست کارگری محبوب شاید بتوانند برایش "پاپوش" درست کنند!

خوب سؤال این است و این سؤال بسیار جالبی است که آیا حکومت اسلامی برای تعرض به کارگران و پاپوش درست کردن برای رهبران کارگری واقعاً نیازی دارد که کارگران و رهبرانشان را به حزب کمونیست کارگری وصل کند؟ مگر اینها همانهایی نیستند که کارگران آق دره را با شکایت کارفرمایی که

شکنجه گران نیست؟ دلیلی واضح بر قدرت و پیشروی جنبش کارگری علیه حکومت ضد کارگر نیست؟ آیا این نشان نمیدهد که ما داریم به مقطعی نزدیک میشویم که شکنجه گران به جای انکار شکنجه باید راه فراری پیدا کنند؟

۲- آقای بخشی اعتراف کرده است که عضو یک حزب کمونیست، فکر میکنم حزب کمونیست کارگری بوده است. حزبی که سیاستش گسترش اعتراضات است!

این دیگر نه فقط اوج استیصال بلکه اوج سفاقت است. چرا؟

### استیصال:

حزب کمونیست کارگری البته به طور طبیعی ظرف فعالیت رهبران و فعالین نه فقط کارگری بلکه همه فعالینی است که برای آزادی، برای برابری، برای رفاه و سعادت و حرمت نه فقط کارگران بلکه همه شهروندان در ایران تلاش میکنند. به این معنا همه رهبران و فعالین کارگری و همه شهروندانی که میخواهند مثل انسان زندگی کنند و برایش تلاش میکنند به طور طبیعی در صف این حزب هستند. اینها کسانی هستند که آرمانها و آرزوها و تلاشهایشان برای رسیدن به این آرمانها و آرزوها با تلاشهای حزب کمونیست کارگری چفت است. مطمئن باشید که با کوچکترین شل شدن شمشیر امنیتی حکومت اسلامی هزاران فعال سیاسی و اجتماعی و هزاران فعال و رهبر کارگری جایشان را در حزب کمونیست کارگری خواهند یافت. در این تردیدی نیست.



بررسی کنند و "عدالت اسلامی" رعایت شود! البته همه میدانند که این "عدالت اسلامی" هیچ چیز نیست جز تلاش و قیحانه و از سر استیصال برای کاهش خشم و نفرت و انزجار وسیع از حکومتی که به جان و زندگی و تلاش یک رهبر کارگری در دفاع از منافع کارگران و شهروندان جامعه تعرض کرده است. اظهارات مضحک فلاح پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، یکی دیگر از "شاهکارهای" حکومت اسلامی علیه کارگران، علیه جنبش برای عدالت و برابری و آزادی است. نمونه ای دیگر از وضعیت شدت وخیمی است که حکومت اسلامی در آن فرو رفته است.

جناب رئیس کمیسیون امنیت ملی از جلسه بررسی مجلس اسلامی بیرون آمد و اظهار کرد:

۱- "اسماعیل بخشی در مسیر بازداشت و انتقال، هنگام دستگیری با ماموران درگیر شده است و چیزی به نام شکنجه صورت نگرفته است!" چه حکومت نازنینی که حتی هنگام انتقال یک رهبر کارگری، این رهبر کارگری است که با ماموران امنیتی بسیار مودب و انساندوست و رثوف حکومت اسلامی درگیری فیزیکی راه میاندازد. طوفان خنده ها!

اما آیا همین که یک مقام امنیتی یک حکومت شکنجه گر به هر دلیلی ناگزیر میشود شکنجه کردن یک رهبر کارگری در حکومت اسلامی را انکار کند، دلیلی واضح بر ضعف و استیصال حکومت

آشنایان با شطرنج خوب میدانند که اگر مهره ای از دشمن در وضعیت آچمز قرار گیرد، آن مهره دیگر نمیتواند تکان بخورد مگر اینکه جبهه خودش را در خطر جدی و شاهش را در معرض مات شدن قرار دهد.

نامه سرگشاده اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات، حکومت اسلامی را در چنین وضعیتی قرار داده است. مهره های وزارت اطلاعات نمیتوانند چطور حرکت کنند که "شاه" شان مات نشود. در بن بست هستند. جایی و سمتی برای حرکت ندارند. و دقیقاً به همین دلیل به هذیان گویی افتاده اند. اظهارات اخیر رئیس کمیسیون امنیت مجلس اسلامی در باره اسماعیل بخشی را باید در این چهاچوب قرار داد.

مقاطعی در حیات سیاسی حکومتها هست که گفتار و رفتار خود حکومتیها بیش از هزار تحلیل نشان میدهد که حکومت مورد بحث در باتلاق سیاسی گیر کرده است و با هر تکانی، واقعا هر تکانی بیشتر در این باتلاق خود ساخته فرو میرود.

جمهوری اسلامی چنین مقطعی از حیات سیاسی را از سر میگذراند و بسرعت به سمتی میرود که با سر در همین باتلاق خفه شود. البته جالب است که رفتار و کردار خودش بیشتر این حکومت را به این سمت میبرد.

بعد از نامه سرگشاده اسماعیل بخشی خطاب به وزیر اطلاعات و به چالش کشیدن او، نمایش مضحکی در مجلس اسلامی راه انداختند تا مثلاً ادعای شکنجه اسماعیل را

**حزب کمونیست کارگری البته به طور طبیعی ظرف فعالیت رهبران و فعالین نه فقط کارگری بلکه همه فعالینی است که برای آزادی، برای برابری، برای رفاه و سعادت و حرمت نه فقط کارگران بلکه همه شهروندان در ایران تلاش میکنند. به این معنا همه رهبران و فعالین کارگری و همه شهروندانی که میخواهند مثل انسان زندگی کنند و برایش تلاش میکنند به طور طبیعی در صف این حزب هستند. اینها کسانی هستند که آرمانها و آرزوها و تلاشهایشان برای رسیدن به این آرمانها و آرزوها با تلاشهای حزب کمونیست کارگری چفت است.**

## اطلاعیه های حزب

## اطلاعیه درباره ادعای وابستگی اسماعیل بخشی به حزب کمونیست کارگری

روز سه شنبه ۱۸ دیماه شصت و نهم فلاحیت پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مصاحبه ای اعلام کرد که اسماعیل بخشی اعتراف کرده است که "وابسته به حزب کمونیست کارگری" است. حزب کمونیست کارگری در برابر این ادعا اعلام میکند اسماعیل بخشی نه تقاضای عضویت در حزب کرده و نه وابستگی تشکیلاتی به حزب داشته است. حتی اگر چنین اعترافی هم شده باشد، هیچ اعترافی در زیر شکنجه مطلقا اعتبار ندارد.

جمهوری اسلامی که بدلیل شکنجه اسماعیل بخشی زیر ضرب جامعه قرار گرفته و از پاسخگویی به نامه او به وزیر اطلاعات عاجز است، به خیال خود میخواهد با این ترفند و پرونده سازی به شکنجه وی مشروعیت بدهد. رئیس کمیسیون امنیت ملی در این مصاحبه عملا اعتراف میکند که اسماعیل بخشی مورد شکنجه قرار گرفته است. او میگوید در حال انتقال بخشی به زندان درگیری هایی صورت گرفته ولی بعنوان شکنجه نبوده است! این اعترافی است که يك فعال کارگری را گرفته اند و سرکوبگران وزرات اطلاعات در مسیر انتقال به زندان شکنجه او را شروع کرده اند.

حزب کمونیست کارگری این پرونده سازی آشکار علیه اسماعیل بخشی را شدیداً محکوم میکند. لازم به توضیح است که در حالیکه مقامات بالای حکومت مجبور شده اند کمیسویی را مأمور بررسی شکنجه اسماعیل بخشی کنند، تعدادی از ارگانهای سرکوب خود را مأمور کرده اند که با تهدید بخشی او را وادار کنند که شکنجه شدن خود را انکار کند. حزب کمونیست کارگری شدیداً جمهوری اسلامی را بدلیل این جنایات آشکار محکوم میکند.

این حق اسماعیل بخشی و همه مردم معترض است که عضو هر حزبی از جمله حزب کمونیست کارگری بشوند. جمهوری اسلامی مردم را از این حق مسلم خود محروم کرده است. امروز بدلیل چند دهه فعالیت مستمر و گسترده حزب کمونیست کارگری، اعتراضات کارگری و دانشجویی و بخشهای مختلف جامعه هر روز بیشتر رنگ و بوی سیاست های حزب را میگیرد و سخنرانی های فعالین و اعتراضات بسیاری از مردم نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه با نقد حزب کمونیست کارگری هرروز همسوتر میشود. چندی قبل هم روزنامه رسالت از خصلت "کارگری کمونیستی" اعتصاب هفت تپه شکوه کرده بود. نه تنها مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بلکه همه اعتراضات و اعتصابات کارگری و در سطح وسیعتری مبارزات زنان و بازنشستگان و معلمان و سایر بخشهای جامعه بیش از پیش چهره "کمونیستی کارگری" بخود میگیرد، و همین واقعیت است که مقامات حکومتی را چنین به هراس انداخته است. حزب ما بقرول ریاست کمیسیون کذائی امنیت مجلس اسلامی حزب "گسترش اعتراضات" است. و ما به این امر افتخار میکنیم.

حزب کمونیست کارگری به کارزار دفاع از اسماعیل بخشی و همینطور کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و کارزار دادخواهی شکنجه شدگان تا لغو همه پرونده های امنیتی علیه اسماعیل

بخشی و کلیه کارگران و فعالین دانشجویی و معلمان و همه مردم حق طلب پیگیرانه ادامه میدهد. این مبارزه بخش مهمی از جنبش عظیمی است که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به حرکت در آمده و با قدرت به پیش میروند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ دیماه ۱۳۹۷، ۸ ژانویه ۲۰۱۸

## میثم علی قنوتی یکی دیگر از کارگران بازداشتی فولاد اهواز آزاد شد



روز هفدهم دیماه یکی دیگر از کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز به اسم میثم علی قنوتی آزاد شد. آزادی او را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. بدین ترتیب هم اکنون ۵ کارگر دیگر گروه ملی به اسامی طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی و غریب حویزای همچنان در بازداشت بسر میبرند. این کارگران از بیست و ششم آذر ماه بدنبال بیش از یکماه اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز بازداشت شده اند.

مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز تا کنون با موجی از همبستگی همراه بوده است. نمونه آخرش کارزار اتحادیه آزاد کارگران ایران برای آزادی تمامی بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز است که تا کنون ششصد نفر آنرا امضا کرده اند و امضا ها ادامه دارد، حزب کمونیست کارگری همگان را به همبستگی با مبارزات و خواستهای کارگران و پیوستن به چنین کارزارهایی فرامیخواند. حزب خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز، بسته شدن پرونده های امنیتی بازداشت شدگان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ دیماه ۱۳۹۷، ۷ ژانویه ۲۰۱۹

## تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه و دو خبر دیگر



## تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه

روز ۱۶ دی جمعی از کارگران بازنشسته در مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات سنوالتی خود در مقابل دفتر مدیریت این مجتمع تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. بنا بر خبرها این کارگران که شمارشان به حدود ۹۵ نفر می رسد، از آذر ماه تا اسفند ماه سال ۹۵ به مرور بازنشسته شده اند. به گفته کارگران کارگرانی که به مرور از این واحد بازنشسته می شوند امکان دریافت مطالبات سنوات پایان کار خود را ندارند. در عین حال هنوز موفق به دریافت نیمی از سنوات خود نشده اند. کارگران میگویند بعد از سالها تلاش توانسته اند با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور از این کارخانه بازنشسته شوند، اما حالا کارفرما نبود منابع مالی را بهانه پرداخت نشدن سنوات آنها عنوان می کند. کارگران بازنشسته هفت تپه در رابطه با این موضوع بارها تجمع کردند اند.

## اعتراضات کارگران

## واحد تولید مخازن تحت فشار کاوش در قزوین

کارگران واحد تولید مخازن تحت فشار کاوش در قزوین در ادامه تجمعات اعتراضی شان در اعتراض به اخراج ها در روز پانزده دیماه با طرح شکایتی در اداره کار شهر صنعتی البرز خواستار بازگشت به کارشان شدند. از جمله این کارگران روز یازده دیماه در رابطه با اخراجها در مقابل استانداری تجمع داشتند. زیر فشار اعتراض کارگران و بدنبال تشکیل جلسه ای با حضور مسئولان استانداری و نمایندگان ای کارگران، قرار بر این شد که تا هفته دیگر به خواست آنها رسیدگی شود. ۸۰ کارگر این واحد تولیدی از روز یکم دی ماه سال جاری با تصمیم کارفرمای کارخانه با اتمام قراردادهای کارشان اخراج شده اند. برخی از این کارگران ۱۴ سال سابقه کار دارند. خواسته فوری این کارگران بازگشت به کار و پرداخت مطالبات معوقه مزدی و سنوالتی آنهاست. به گفته کارگران کارفرما قبل از بیکارسازیها وعده پرداخت ۴۵ روز سنوات را به هریک از آنها داده بود اما همراه با اخراجها طلب کارگران نیز بالا کشیده شده است.

## تجمع اعتراضی نانویان طبس بخاطر وضع بد معیشتی

روز ۱۶ دی جمعی از کارگران نانویان در طبس در اعتراض به وضع بد معیشتی خود تجمع کردند. به گفته کارگران از سال ۹۳ دستمزد آنها افزایشی نداشته است. این درحالیست که حداقل دستمزد تعیین شده سال ۹۷ خود چندین بار زیر خط فقر است و گرانی روز افزون اجناس هر روز قدرت خرید مردم را پایین تر آورده و وضعیت اقتصادی آنها را وخیم تر کرده است. کارگران نانویان طبس ادامه زندگی در این ابعاد از فقر و بردگی را غیر ممکن دانسته و خواستار افزایش فوری دستمزدهایشان هستند. این کارگران میگویند که مرتبط دانستن دستمزد کارگران خبازیها به نرخ نان و پیمانهای دسته جمعی، باعث شده دستمزد آنان در سالهای گذشته ثابت بماند و حاضر به ادامه این وضعیت نیستند.

پیش بسوی تشکیل شوراها  
پیش بسوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ دی ۹۷-۶ ژانویه ۲۰۱۹

## یادداشت‌های هفته...

صفحه ۷

کادرهای سابق شان که با احساس مسئولیت آنرا بر ملا کردند اندکی برای خود آبرو بخرد.

کارنامه سازمان عبدالله مهتدی کاملاً روشن است. از اینکه نتوانستند و قادر نشدند اردوگاه کومه له را به خون بکشند و طرح ترور رهبران حزب حکمتیست هم برایشان نقش بر آب شد، از فرط ناتوانی در رد این اقدامات، مدال شاکلی بر سینه خود آویزان کرده اند.

دفاعیات باند مهتدی در بیانیه اش و میرا دانستن عناصر دست اندرکار این طرح کثیف کمترین تردیدی باقی نگذاشته است که این جریان قابلیت هر گونه حرکت زشت و ضد انسانی را در خود نهفته دارد.

آنان بجای توضیح و روشن کردن اصل قضیه طرح ترور، نه تنها پرخاشگرانه با حملات تند علیه این و آن جواب می‌دهند گویی حتی عذاب وجدان هم برایشان معنی ندارد.

در بخشی از این بیانیه ضمن حملات تندی که به حزب کمونیست ایران و کومه له شده است، آنان را همسو با کمونیسم کارگری نام برده اند. بیانیه مهتدی همان کلماتی را امروز بطرف کومه له پرتاب می‌کند که پیشتر استادان مهتدی (جلال طالبانی و شیخ عزالدین حسینی) در مقطع تشکیل حزب علیه بنیانگذاران تشکیل حزب کمونیست ایران نثار می‌کردند. مهتدی و تیمش خوب میدانند که کومه له و حزب کمونیست ایران بر بستر افق و سیاستهای کارگری و کمونیستی اش محبوبیت دارد. باند مهتدی در مقطع انشعابش از کومه له فقط بخاطر مصادره و محبوبیت این نام حاضر بود دهها نفر را در اردوگاه بخاک و خون بکشد.

آنانکه طی این سالها نام کومه له را بعنوان پناهگاهی برای بده و بستانهای منطقه ای تصرف کردند، نشان دادند که قائم بذات با اسم و نشان دیگری کسی برایشان تیره هم خورد نخواهد کرد. آن دوران بسر آمده است که این داردسته برای مرعوب نمودن مخالفین خود در کومه له خطاب به آنان میگفتند، شما کمونیسم کارگری هستید و مخالفان جریان مهتدی نیز با مباحثات و در پاسخ به این حملات بدرست آنان را دنباله‌چو در خرداد، سازمان اسلامی خبات و مشتاقان نشست با وزارت اطلاعات معرفی می‌کردند.

ماهیت این جریان امروز دیگر برای همه روشن است اما سئوالی که مطرح است این می‌باشد که هر دو حزب دمکرات کردستان و سازمان عمر ایلخانی زاده چه موضعی در قبال این مسئله اتخاذ کرده اند. سکوت، مباحثات و دیپلوماسی پاسخ به این مسئله نیست. این احزاب و سازمانها لازم است موضع روشن خود را بیان کنند. یک شاخص متضمن و متعهد به آزادی فعالیت سیاسی و سالم در میان احزاب و نیروهای سیاسی، چه امروز و چه در تحولات سیاسی پیش رو در ایران و کردستان داشتن موضع روشن در محکومیت هر گونه اقدام تروریستی و عدم بکارگیری از اسلحه علیه نیروهای سیاسی دیگر است.

احزاب و سازمانهای کمونیست و مردم کردستان تضمین خواهند کرد که نگذارند جریانان و نیروهای قومی و باند سیاهی به جامعه خون بپاشند.

۸ ژانویه ۲۰۱۹

لینک بیانیه عبدالله مهدی  
<http://www.komala.org/farsy/dreja.aspx>

## تجمع دو هزار نفر از کشاورزان در اصفهان

روز ۱۲ دیماه کشاورزان اصفهان برای یازدهمین روز و در پایان مهلت ۱۰ روزه‌ای که برای تأمین حق آبه خود به دولت داده بودند، در حوالی پل خواجوی اصفهان تجمع کردند. این تجمع از بستر خشک زاینده رود در مقابل پل خواجو آغاز شد و کشاورزان قصد داشتند به سمت سی و سه پل و استانداری حرکت کنند. در این روز نیروی انتظامی حضور وسیعی داشت و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوایی تلاش کرد تجمع کنندگان را متفرق کند. تجمع کشاورزان در ضلع شمالی پل خواجو به درگیری با ماموران یگان ویژه پلیس انجامید. اما علی‌رغم اقدامات نیروهای سرکوب تجمع ادامه پیدا کرد و جمعیت به بیش از دو هزار نفر رسید و مردم بسیاری به صف کشاورزان معترض پیوستند. در این تجمع حضور زنان بسیار چشمگیر بود و یکی از زنان طی سخنانی فریاد زده و میگفت: "ما بدبخت شدیم، کشاورزان بدبخت شدند. دو جوان اخیراً در اثر فقر خودکشی کرده‌اند. زنان کشاورز دارند در شهر کلفتی می‌کنند و در خانه مردم کار می‌کنند..."

سپس جمعیت از پل خواجو بطرف استانداری اصفهان شروع به راهپیمایی کرده و شعار میدادند: "روحانی دروغگو زاینده رود ما کو"، "دشمن ما همین جاست الکی میگن امریکاست"، "می ایستیم می‌جنگیم ذلت نمی‌پذیریم"، "می ایستیم می‌جنگیم حقابه را می‌گیریم"، "درد بر کشاورز، مرگ بر دستمگر"، "مردم دیگه بیدارن، از وعده‌ها بیزارن". این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده‌ملتی، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "توپ تانک مسلسل، دیگر اثر ندارد". در این محل یگان ویژه مانع حرکت جمعیت شد. صف معترض کشاورزان به مامورانی که با باتوم میخواستند جلوی ادامه تظاهرات را بگیرند، با سنگ

## اطلاعیه های حزب

از صفحه ۱۰

پاسخ میدادند. در برابر حمله نیروی انتظامی مردم با شعار بیشرف، بیشرف و در جاهایی با پرتاب سنگ بسوی موتورسواران سرکوبگر مقابله میکردند. هر جایی هم که اقدام به دستگیری میشد با شعار ولش کن، ولش کن و درگیر شدن مانع میشدند. در این روز چند نفر بازداشت شدند که تعداد آنها روشن نیست.

یک موضوع مهم اعتراض کشاورزان عدم دریافت حق آبه است. به گفته آنان علی‌رغم وعده های داده شده حق آبه سال آبی ۹۶-۹۷ آنها هنوز پرداخت نشده است. اعتراض آنان در عین حال به اجرایی شدن طرح های غیر کارشناسی انتقال آب در اصفهان و نابودی زمین های کشاورزی که تنها ممر زندگی آنهاست، می باشد. خشک شدن زاینده رود و خشکسالی در این منطقه علاوه بر نابودی محصولات و زمین های زراعی هزاران کشاورز که هست و نیستشان را در بر میگیرد، زنگ خطر بی آبی در شهر اصفهان به صدا در آمده و تأمین آب نوشیدنی برای پنج میلیون مردم ساکن این شهر زیر سوال رفته است.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کشاورزان و مردم اصفهان در دفاع از زندگی و معیشتشان و نگرانی از خطر بی آبی در این منطقه قاطعانه حمایت میکند. جمهوری اسلامی موظف است زندگی کشاورزان را که بدلیل بی آبی کشاورزی شان به نابوی کشیده شده است و از هر گونه تأمین اجتماعی محرومند با استاندارد قابل قبولی تأمین کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ دیماه ۱۳۹۷، ۳ ژانویه ۲۰۱۹

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

**حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.**

**یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.**

**اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.**

**حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراهای جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.**

**زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور**

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!